

## حروف هفتگانه قرآن از نگاه امام خمینی

دکتر سیدرضا مؤدب

استاد یار دانشگاه قم

### چکیده

حدیث «نزول قرآن بر هفت حرف» تفسیرهای فراوانی پیدا کرده است. به نظر می‌رسد، بدیعترین تفسیر از آن حضرت امام خمینی است. وی احتمال داده است که مراد از آن، مراتب هفتگانه نزول قرآن باشد که عبارتند از: حضرت علمیه، حضرت اعیان، حضرت اقلام، حضرت الواح، حضرت مثال، حس مشترک و شهادت مطلقه.

کلید واژه‌ها: سبعة احرف، نزول قرآن، بطون قرآن.

### ۱. مقدمه

در روایات فریقین آمده است که «قرآن بر هفت حرف نازل شده است» [۱]. علیرغم آنکه تاکنون به منظور تبیین مفاد این حدیث حدود چهار قول اظهار شده است [۲]، لکن همچنان در خور بحث و تبیین به نظر می‌رسد. مهمترین نظری که در این زمینه ارایه شده، این است که این حدیث ناظر به الفاظ قرآن نیست؛ بلکه ناظر به محتوای قرآن است. برخی هفت حرف را به معنای هفت بطن قرآن گرفته‌اند [۳]. حضرت امام خمینی نیز بر همین نظر است؛ اما تبیینی که ایشان ارایه کرده، بدیع به نظر می‌آید. در این مقاله سعی می‌شود، نظر بدیع وی بررسی گردد.

## ۲. مهمترین اقوال در هفت حرف

برخی از مهمترین اقوالی که در تبیین این حدیث اظهار شده [۴]، به شرحی است که در پی می‌آید.

**الف. اختلاف لهجات:** برخی مقصود از هفت حرف را لهجاتی دانسته‌اند که در میان عربها رایج بوده است؛ برای مثال بعضی حرف «ق» را «کاف» و برخی «همزه» تلفظ می‌کردند. اینان بر این نظرند که قرآن به تمامی لهجات نازل شده تا مردم تمام قبایل بتوانند قرآن را بخوانند.

**ب. اختلاف الفاظ:** بعضی می‌پندارند که مقصود از این حدیث آن است که قرآن به الفاظ مختلف، ولی در معنا نزدیک به هم مانند عجل، اسرع و اسع نازل شده است.

**ج. اختلاف معانی:** برخی گویند: مراد از هفت حرف، معانی مختلفی مانند زجر، امر، حلال، حرام، محکم، متشابه، امثال، ترغیب، ترهیب، جدل، قصص، مثل و نظایر آنهاست.

**د. بطون هفتگانه:** چنانکه آمد، بعضی هفت حرف را ناظر به بطون قرآن دانسته‌اند.

هریک از اقوال، کاستیها و ابهاماتی دارد که در این مجال فرصت بحث از آنها نیست [۵] و تنها قولی که می‌تواند مورد قبول باشد، این است که قرآن دارای هفت بطن است.

## ۳. نظریه حضرت امام درباره هفت حرف

امام خمینی «قدس سره» در تبیین «سبعة احرف» نظریه نوین و عارفانه‌ای را اظهار داشته است. او معتقد است: اصل قرآن امری پیچیده و مرموز است؛ به طوری که باید گفت: فهم واقعی و کامل آن تنها برای ائمه معصومین میسر است [۶].

قرآن به منظور آنکه برای بشر قابل فهم شود، از مقام غیب تنزل یافته است. تنزل آن در هفت مرتبه صورت گرفته است و قرآن موجود نازل هفتم آن است [۷].

حضرت امام گاهی از این هفت مرتبه به هفت بطن تعبیر می‌کند [۱۸] و این با اشاره به این روایت نبوی است که فرموده است: «ان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة أبطن» [۹]؛ (برای قرآن، ظاهر و باطنی است و برای باطن هم تا هفت بطن وجود دارد). از نظر حضرت امام خمینی، اصل قرآن، قبل از تنزل، از مقوله مادیات، اعراض و الفاظ و به عبارت دیگر از مقوله سمع و بصر نبوده و پس از تنزل به مقوله مسموعات و الفاظ درآمده است [۱۰].

امام خمینی علاوه بر آنکه قرآن را دارای مراتب تنزل از بالا به پایین می‌شمارد، اعتقاد دارد که آن مراتب، به تعداد هفت بوده است. وی آن مراتب هفتگانه را اینچنین برمی‌شمارد: حضرت علمیه،<sup>(۱)</sup> حضرت اعیان،<sup>(۲)</sup> حضرت اقلام،<sup>(۳)</sup> حضرت الواح،<sup>(۴)</sup> حضرت مثال،<sup>(۵)</sup> حس مشترک<sup>(۶)</sup> و شهادت مطلقه<sup>(۷)</sup>.

۱. حضرت علمیه: مقصود از آن مرتبه الوهیت و غیب الغیوب است [۱۱].
۲. حضرت اعیان: سید شریف گوید: اعیان ثابت در کلمات عرفاء به معنای حقایق ممکنات است در علم حق تعالی و به عبارت دیگر صور ممکنات را در علم حق تعالی که حقایق موجودات است، اعیان ثابت گویند [۱۲]. قیصری می‌گوید: حکماء کلیات را ماهیات حقایق و جزئیات آنها را هویات نامند و بنابراین ماهیات عبارت از صور کلیه اسمائیه‌اند که متعین در حضرت علمیه و به واسطه فیض اقدس، اعیان ثابت و استعدادات اصلی آنها در علم حاصل می‌شوند [۱۳].
۳. سید شریف می‌گوید: قلم، علم تفصیلی است و قلم اعلی، عقل اول است [۱۴] صدرالدین نیز می‌گوید: ذات باری تعالی ابتداء جوهر مجرد قدسی را آفرید و به توسط او جوهر قدسی دیگری آفرید و همین‌گونه بطور مرتب در کمال و شرف و بالجمله هریک از عقول طولیه علت وجود موجود عقلی و نفسی دیگر است. و از این جهت از هریک از عقول مجرد طولیه و نفوس و افلاک می‌توان تعبیر به قلم کرد و قلم اول که عقل اول است، ملک مقرب عقلی و قلم اعلی است و بالجمله عقول را به اعتبار آن که واسطه در فیضان صور علمیه‌اند بر نفوس کلیه فلکیه و موجب وجود آنها هستند، قلم گویند [۱۵].
۴. لوح در لغت به معنی صحیفه است که قابل ترسیم صور و کتابت در آن باشد و صحیفه نفس را لوح گویند که محل ارتسام صور اشیاء است و نفوس سماری را نیز لوح گویند که محل ارتسام تمام صورت کلی موجودات عالم سفلی است [۱۶]. لوح نورانی که همه موجودات در آن منطبق و نقش بسته‌اند [۱۷].
۵. مقصود از آن عالم خیال است، برای موجودات عالم جسمانی. برای هر نوعی صورتی است عقلانی که در معرض فنا و زوال است. میان ملک و ملکوت برزخی است که آن را عالم مثال اشیاء مادی گویند [۱۸].
۶. حس مشترک به نزد حکماء قوه‌ای است که صور جزئیات در آن مرتسم می‌شود و از آن به لوح نفس هم یاد می‌شود [۱۹]. صدرا گوید: حس مشترک عبارت از قوت نفسانی است که استعداد حصول آن را در مقدم دماغ است و صور محسوسات ظاهری همه، ابتداء بدان رسد [۲۰].
۷. شهادت مطلقه: مقصود از آن عالم اجسام است و بر آن مرتب حس نیز اطلاق شده و عالم ناسوت هم نامیده‌اند. عالم شهادت، جهان جسمانی و مادیات و زمانیات است [۲۱].

حضرت امام در این زمینه گوید:

«[جبرئیل] آن لطیفه الهیه را تنزل داده و صاحب وحی در هر نشئه از نشئات، به طوری ادراک و مشاهده نموده است: در حضرت علمیه به طوری، و در حضرت اعیان به طوری، در حضرت اقلام به طوری، و در حضرات الواح به طوری و در حضرت مثال به طوری، و در حس مشترک به طوری، و در شهادت مطلقه به طوری، و این هفت مرتبه از تنزل است که شاید نزول قرآن بر «سبعه احرف» اشاره به این معنی باشد» [۲۲].

سپس می‌افزاید:

و این معنا منافات ندارد با آنچه فرماید: «قرآن واحد من عند واحد» چنانچه معلوم است» [۲۳].

حاصل مطلب آنکه امام نخستین مرتبه قرآن را حضرت علمیه می‌داند که همان مرتبه الوهیت و مربوط به علم ذاتی خداوند است.

مرتبه دوم، مرتبه اعیان است که همان مرتبه حقایق ممکنات است و از آن به اعیان ثابته اشیاء نیز تعبیر شده است و حکماء کلیات را ماهیات و حقایق ثابت، و جزئیات آنها را هوئیات می‌نامند و ماهیات آنها عبارت از صور کلیه همان اعیان ثابته است [۲۴]. مرتبه سوم، حضرت اقلام است که همان علم تفصیلی یا عقل اول است که از آن به قلم تعبیر شده است و عقول را از آن جهت که واسطه فیض صور علمی بر نفوس کلی و موجب وجود آنها هستند، قلم گویند.

مرتبه چهارم، حضرت الواح است که همان محل ارتسام صور اشیاء است. یعنی همان طور که به واسطه قلم در لوح و صحیفه حسی، نقوش حسی ترسیم می‌شود، از عالم عقل نیز صور معلوم و مضبوط به صورت کلی در نفوس کلی ترسیم می‌شود. مرتبه پنجم، حضرت مثال است. این مرتبه همان عالم خیال است. برای هر نوع موجودی صورتی خیالی و در معرض فناء است و به آن مثال می‌گویند.

مرتبه ششم که حس مشترک است، قلب پیامبر ﷺ است در این مرحله قرآن از عالم مثال بر قلب آن حضرت متجلی شده است.

هفتمین مرتبه و آخرین و پایین ترین مرتبه نزول قرآن شهادت مطلق است.

مقصود از آن همان الفاظ قرآن است که مربوط به عالم مادیات و اجسام است از نظر حضرت امام، واسطه نزول در تنزل قرآن تا به پایین ترین مرحله، جبرئیل امین است. او قرآن را از آن حقیقت غیبی و سریر قدسی به مراحل پایین تر تنزل داده و گاهی در قالب یکی از مراتب ظاهر می شده است. وی گوید: «در این مقام گاه شود که آن حقیقت غیبیه و سریره قدسیه که حضرت علمیه و اقلام و الواح عالیه مشهود شده از طریق غیب نفس و سرّ روح شریف او به توسط ملک وحی که حضرت جبرئیل است، تنزل کند، در قلب مبارک او و گاهی جبرئیل «تمثل مثالی» پیدا کند در حضرت مثال برای او و گاهی تمثل ملکی پیدا کند و از ممکن غیب به توسط آن حقیقت تا مشهد عالم شهادت، ظهور پیدا کند و آن لطیفه الهیه را تنزل دهد» [۲۵].

برداشت حضرت امام خمینی در مورد مراتب هفتگانه تنزل قرآن و انطباق آن بر حدیث سبعة احرف، برداشتی لطیف و عرفانی است که برای اهل ذوق و قابل فهم است. اما برابر آنچه از روایات بر می آید، حروف و بطون قرآن از سنخ معانی است و می توان آنها را برای مردم بیان کرد و لذا برای آنان قابل فهم است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «ان القرآن نزل علی سبعة احرف و أدنی للامام ان یفتی علی سبعة وجوه» [۲۶]؛ (قرآن بر هفت حرف نازل شده است و امام دست کم می تواند بر هفت وجه فتوی دهد).

و امام باقر علیه السلام فرمود: «تفسیر القرآن علی سبعة احرف، منه ما کان و منه ما لم یکن بعد ذلك تعرفه الاثمه» [۲۷]؛ (تفسیر قرآن بر هفت حرف است. برخی از آن تحقق یافته و برخی از آن تحقق نیافته است و ائمه بر آن آگاهند).

شخصی نزد امام باقر علیه السلام آمد و از تفسیر آیه ای سؤال نمود و امام به وی پاسخ داد. هنگامی که آن فرد از مجلس بیرون رفت، حضرت به راوی فرمود: «هذا تفسیرها فی ظهر القرآن، افلا اخبرک بتفسیرها فی بطن القرآن؟ قلت: وللقرآن بطن و ظهر؟ فقال علیه السلام: نعم ان لکتاب الله ظاهراً و باطناً و معانی» [۲۸]. (این تفسیر مربوط به ظاهر قرآن است، آیا نمی خواهی از تفسیر باطنی آن تو را خبر دهم؟، گفتم: مگر قرآن دارای ظاهر و باطن

است؟ حضرت فرمود: آری، کتاب خدا دارای ظاهر و باطن و معانی است).

#### ۴. نتیجه

برای حدیث نزول قرآن بر هفت حرف معانی متعددی اظهار شده است. در میان این معانی بدیعترین معنا از آن حضرت امام خمینی است. او با بینشی عرفانی خود احتمال داده است که مراد از هفت حرف مراتب هفتگانه قرآن از مرحله غیب تا مرحله شهادت باشد.

#### منابع

۱. ر.ک: ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت بی تا، ج ۶، ص ۲۲۸ و محمد بن مسلم، صحیح مسلم، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۰۲ و محمد بن علی بن حسین، خصال صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۸۹، ج ۲ ص ۱۰.
۲. ر.ک: بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، دارالنجیل، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ج ۱ ص ۲۱۲ و جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، منشورات رضی، طبع دوم ۱۳۶۷ هـ ش. ج اول ص ۱۶۴.
۳. ر.ک. ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، المطبعة العلمیه قم - الطبعة الثالثة، ۱۳۹۴ هـ ق. ص ۱۹۳ و فضل بن حسن طبرسی، مجمع السان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی، بیروت ۱۴۱۵ هـ ق - الطبعة الاولى، ج اول، مقدمه، فن دوم، ص ۳۹ و فیض کاشانی، تفسیر الصافی، منشورات المکتبه الاسلامیه - طهران، ۱۳۹۳ هـ ق. مقدمه چهارم - ص ۱۸.
۴. ر.ک: ابوالقاسم خوئی، پیشین ص ۱۷۸ و زرکشی، پیشین ۲۱۳/۱.
۵. ر.ک: نگارنده: نزول قرآن بر هفت حرف. رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۶. ر.ک: امام خمینی، صحیفه نور. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵. ج ۱۸ ص ۱۶.
۷. ر.ک. همان ج ۱۷، ص ۲۵۱.
۸. ر.ک. امام خمینی، تفسیر سوره حمد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم. خرداد ۱۳۷۸. تهران. ص ۱۳۶ و همو: صحیفه نور، ج ۲۰ ص ۲۸ و ج ۱۷، ص ۲۵۱.
۹. ر.ک فیض کاشانی، پیشین، مقدمه چهارم.

۱۰. ر.ک. امام خمینی، تفسیر سورة حمد، پیشین. ص ۱۳۹.
۱۱. سیدجعفر سجّادی، فرهنگ علوم عقلی، شامل اصطلاحات فلسفی، کلامی، منطقی، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران. ۱۳۶۱ ص ۲۲۸.
۱۲. ر.ک: همان قبلی ص ۷۹.
۱۳. ر.ک: سید جلال آشتیانی، شرح مقدمه فیصری بر فصوص دفتر تبلیغات حوزه قم ۱۳۷۰ ص ۳۳۳. الفصل الثالث فی الاعیان الثابتة.
۱۴. ر.ک: سید جعفر سجّادی، پیشین ص ۴۷۰ و محمّدعلی تهانوی موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم. مکتبة لبنان ناشرون. الطبعة الأولى ۱۹۹۶. ج ۲ ص ۱۳۴۰.
۱۵. ر.ک: صدرالدین شیرازی الحکمة المتعاليه فی الاسفار الاربعه. دارالاحیاء التراث بیروت. ۱۴۱۰ ج ۶ ص ۲۹۳. فصل سیزدهم مراتب علم.
۱۶. ر.ک: سید جعفر سجّادی، پیشین ص ۵۶.
۱۷. ر.ک به محمدعلی تهانوی، پیشین ۱۴۱۶/۲.
۱۸. ر.ک. ت. سید جعفر سجّادی، پیشین ص ۵۲۵.
۱۹. ر.ک محمدعلی تهانوی، ج ۱ ص ۶۶۴.
۲۰. ر.ک. سید جعفر سجّادی، پیشین ص ۲۲۴.
۲۱. ر.ک سید جعفر سجّادی، پیشین ص ۳۴۷.
۲۲. ر.ک. امام خمینی، آداب الصلاة مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. بهار ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۳۲۳، با اندکی تصرف.
۲۳. همان.
۲۴. ر.ک. سیدجلال آشتیانی: پیشین ص ۳۳۳.
۲۵. ر.ک. همان ص ۳۲۳.
۲۶. ر.ک: صدوق خصال، پیشین، ج ۲، ص ۱۰.
۲۷. ر.ک: صفار: بصائر الدرجات فی المقامات و فضائل اهل البيت، با تصحیح حاج میرزا محسن کوجه باغی، ۱۳۸۱ هـ. ق. ص ۱۹۶.
۲۸. ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، پیشین، ج ۸۹، ص ۹۰.